

نگاهی به آثار اعتقاد و باور به خدا در رشد انسان و استحکام بنای خانواده

نقش فعال خدا باوری در سبک زندگی متعالی

۲

نمایشگاه خوشنویسی در نگارخانه رضوان برگزار شد

طنین «آوای خط» استادان خوشنویسی

به مناسبت هفته خوشنویسی، نمایشگاه گروهی خوشنویسی استادان مکتب هنر رضوان با عنوان «آوای خط» به همت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی در نگارخانه رضوان مشهد گشایش یافت. رئیس اداره آموزش و پژوهش مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی در حاشیه افتتاحیه نمایشگاه آوای خط در گفت‌وگو با آستان‌نیوز اظهار کرد: ۲۹ اثر منتخب با مضامین ادبی و مذهبی در خط‌های نستعلیق، شکسته نستعلیق ...



ویژه فرهنگ و معارف رضوی | سال دوم | ویژه نامه ۲۵۶ |

کنه‌ها / آیت‌الله مظاهری

نمی‌شود دعا مستجاب نشود



با کتابخانه گویای رضوی آشنا شوید

خانه کتاب دوستان روشندل

روایتی از مسجد «بقیة الله» در محله دولاب تهران

مسجدی ۸۰۰ ساله که میرزا اسماعیل دولابی پیشنهادش بود

همزمان با هفتمین روز درگذشت شاعر آیینی برگزار شد

بزرگداشت «مؤید» در حرم مطهر رضوی

خبر

تولیت آستان قدس رضوی:

خدام باید جلوه تربیت یافتگان مکتب رضوی باشند



به گزارش آستان‌نیوز، حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی در مراسم اهدای احکام خدمه جدید حرم مطهر که در تالار ولایت این بارگاه قدسی برگزار شد، ضمن گرامیداشت فرارسیدن میلاد باسعادت پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) به اهمیت عمق بخشی دینی و بصیرت افزایی اشاره و ابراز کرد: رسول گرامی اسلام (ص)، ائمه اطهار (ع) و پیشوایان دینی، همواره مسلمانان را به عقلانیت و کسب معرفت دعوت می‌کردند و خداوند متعال نیز در روز قیامت، عمل احسن را از ما توقع دارد و عمل احسن با معرفت حاصل می‌شود. تولیت آستان قدس رضوی، اسلام را متکی بر عقلانیت دانست و اظهار کرد: شور و هیجان‌ها در جای خود بسیار مفید و لازم است، اما زمانی احساسات می‌تواند موجب رشد و ترقی معنوی انسان شود که از پشتوانه عقلانی و معرفتی برخوردار و مبتنی بر شعور باشد. وی در ادامه با بیان اینکه خدام رضوی و خدمتگزاران زائران حضرت رضا (ع) باید همواره معرفت خود را نسبت به امام رضا (ع) ارتقا بخشند تا خدمت در این دستگاه نورانی برای آن‌ها تکراری و عادی نشود، تصریح کرد: کسب معرفت و شناخت بیشتر نسبت به حضرت ثامن الحجج (ع) با مطالعه حاصل می‌شود، بنابراین به مسئولان حرم مطهر گفته‌ام کتابخانه‌هایی حای کتاب‌های مرتبط با زندگی و سیره رضوی و ائمه اطهار (ع) در آسایشگاه‌های خدام قرار دهند و در ارتقای رتبه خدام آگاهی و میزان شناخت ایشان به حضرت رضا (ع) را مدنظر بگیرند. وی ابراز کرد: شناخت نسبت به امام رضا (ع) موجب حفظ طراوت خدمت در این آستان قدسی می‌شود و معتقدیم به هر میزان معرفت و شناخت نسبت به ائمه اطهار (ع) بیشتر باشد، کیفیت خدمات دهی نیز بیشتر خواهد شد. حجت‌الاسلام والمسلمین مروی با بیان اینکه خدام رضوی باید تجلی رأفت امام رضا (ع) باشند، میهمان‌نوازی را از جمله سنت‌های ائمه اطهار (ع) دانست و اظهار کرد: ائمه اطهار (ع) با رأفت و مهربانی مردم را جذب می‌کردند و بسیار به میهمانان نشان احترام می‌گذاشتند، میهمان‌نوازی در میان ائمه هدی (ع) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، به‌طوری‌که آن حضرات شخصاً پذیرایی از میهمانان را بر عهده می‌گرفتند. وی ادامه داد: اینجا بارگاه امام حی و حاضر و الهام بخشی است که همواره نور رحمت و هدایت از حرمش ساطع می‌شود و خدام این بارگاه قدسی به‌عنوان جلوه‌ای از تربیت یافتگان مکتب رضوی باید در کمال اخلاص، محبت و صمیمیت از زائران امام علی بن موسی الرضا (ع) میزبانی کنند. رفتار خدام بر اعتقادات زائران اثرگذار است و باید به‌گونه‌ای باشد که زائران لذت زیارت را بیشتر احساس کنند و شوق مردم برای زیارت بیشتر شود.

درباره زندگی پرماجرای «زینب بیگم» بانوی مقتدر عصر صفوی و مدفون در حرم رضوی

واقف اهل سیاست

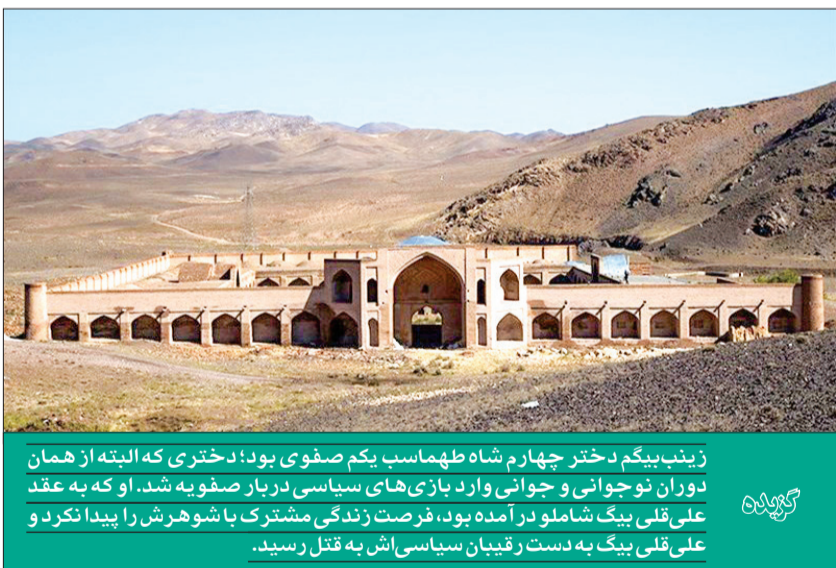
■ بانوی واقف

موقوفات زینب بیگم بسیار گسترده و متعدد بوده است. او را بانویی بسیار خیر و اهل میزات توصیف کرده‌اند. زینب بیگم در دوران قدرتش، املاک را وقف حرم مطهر رضوی کرد و برای آسایش زائرانی که از نقاط مرکزی ایران به سوی مشهد در حرکت بودند، کاروانسراهایی ساخت. یکی از این کاروانسراها، کاروانسرای «بیگم» یا «حجیب» در مسیر قزوین به ساوه است. افزون بر این‌ها، زینب بیگم را بانی برخی از پل‌های قدیمی مسیر مشهد به شاهرود می‌دانند. نقل است که این بانوی واقف، وسواس فراوانی برای ساخت و تجهیز مناسب کاروانسراها داشت و سعی می‌کرد در کنار آن‌ها، حتماً زیرساخت‌های لازم از قبیل آبنما و گرمابه مناسب وجود داشته باشد.

دست سرداران سپاه به قتل رسید، بنای حمایت از عباس میرزا، فرزند دیگر سلطان محمد خدابنده را گذاشت؛ عباس میرزایی که بعدها به شاه عباس یکم مشهور شد. زینب بیگم با حمایت از عباس میرزا، خطر بزرگی را به جان خرید. در قزوین، پایتخت آن زمان صفویه همه به خون وی تشنه بودند. پایداری زینب بیگم سبب شد موقعیت عباس میرزا در حرمسرای شاهی که یکی از کانون‌های قدرت بود، تثبیت شود. به این ترتیب، عباس میرزا جای پدر را گرفت و فرمانروای ایران شد. زینب بیگم به دلیل همراهی با برادرزاده، جایگاه بالایی بدست آورد؛ او به عنوان «زن‌سالار» دربار صفویه، مسئولیت اداره امور بانوان را برعهده داشت، اما عملاً مشاور ارشد شاه‌عباس در بسیاری از امور و با عنوان «خان‌بی‌بی» از اعتبار ویژه‌ای برخوردار بود. تا جایی که برخی از مورخان از نقش گسترده وی در عزل و نصب‌ها

■ محمدحسین نیکبخت

عصر صفوی، دوره احیای فرهنگ اسلامی ایرانی و گسترش آموزه‌های شیعی است. آرامشی که در این دوره بر ایران حاکم شد، زمینه را برای رشد همه‌جانبه کشور نیز فراهم کرد. در این دوره، به دلیل افزایش درآمد مردم، بخشی از سنت‌ها که زمانی به طبقه مرفه جامعه اختصاص داشت، جنبه عام پیدا کرد. سنت حسنه وقف یکی از این سنت‌ها بود. در این بین، افراد وابسته به دربار صفوی با پیروی از اقدام‌های برخی فرمانروایان این دودمان مانند شاه طهماسب یکم که برای نخستین بار گنبد حرم رضوی را مطلقاً کرد و نیز تشویق و تمجید علما، املاک و اموال فراوانی را وقف امور خیریه، اداره مدرسه‌های علمیه و همچنین رفع نیازهای مالی امکان متبرکه کردند. در میان جمع واقفان عصر صفوی، تعداد بانوان چشمگیر و موقوفات آن‌ها بسیار متعدد و متنوع است. زینب بیگم، دختر شاه طهماسب یکم، یکی از این بانوان واقف بود که افزون بر توجه به مقوله وقف، ید طولایی در سیاست‌ورزی داشت. داستان زندگی شگفت‌انگیز این واقف سیاستمدار که عمری طولانی کرد و در خرداد سال ۱۰۱۹ خورشیدی دار فانی را وداع گفت، قطعاً روایتی خواندنی است که در رواق امروز با هم آن را مرور می‌کنیم. پیکر زینب بیگم در حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شده است.



زینب بیگم دختر چهارم شاه طهماسب یکم صفوی بود؛ دختری که البته از همان دوران نوجوانی و جوانی وارد بازی‌های سیاسی دربار صفوی شد. او که به عقد علی‌قلی بیگ شاملو درآمده بود، فرصت زندگی مشترک با شوهرش را پیدا نکرد و علی‌قلی بیگ به دست رقیبان سیاسی‌اش به قتل رسید.

افزون بر این‌ها او مدرسه‌ای در محله چرخاب اصفهان ساخت و برای آن موقوفه‌هایی قرار داد. از دیگر موقوفه‌های زینب بیگم می‌توان به گرمابه‌ای در بازار مشهد اشاره کرد که در توسعه سال ۱۳۵۴ شمسی خراب شد. وصیت‌نامه‌ای مفصل از زینب بیگم در دست است که در آن به شرح و توضیح برخی از موقوفات خود پرداخته است.

سخن گفته‌اند و جهانگردان و سفیران دولت‌های اروپایی، هوش و ذکاوت سیاسی زینب بیگم را ستوده‌اند. هر چند که او در اواخر عمر و در دوران حکومت شاه صفی، دیگر محبوبیت پیشین را نداشت و به دور از فعالیت‌های پیشین در قزوین روزگار می‌گذراند، اما به مرگ طبیعی درگذشت و طبق وصیتی که کرده بود، پیکرش را به مشهد حمل کردند و در حرم رضوی به خاک سپردند.

■ دختری که سیاستمدار شد

زینب بیگم دختر چهارم شاه طهماسب یکم صفوی بود؛ دختری که البته از همان دوران نوجوانی و جوانی وارد بازی‌های سیاسی دربار صفویه شد. او که به عقد علی‌قلی بیگ شاملو درآمده بود، فرصت زندگی مشترک با شوهرش را پیدا نکرد و علی‌قلی بیگ به دست رقیبان سیاسی‌اش به قتل رسید. زینب بیگم پس از مرگ شوهر ناکام، دیگر ازدواج نکرد و مجرد باقی ماند، در عوض بنای ورود به رقابت‌های سیاسی را گذاشت. او در بحبوحه دوران حکومت برادرش، سلطان محمد خدابنده و در حالی که کشور در معرض هجوم عثمانی‌ها قرار داشت، به عنوان بانوی مقتدر دربار صفوی، دست به زد و بندهای سیاسی برای به حکومت رساندن حمزه میرزا، یکی از برادرزادگانش زد و چون او به

نیازمندان است که کامشان را شیرین کند، نه... چون بعد شهادت همسرش از تک و تا نیفتاد و صبوری کرد که کندوها سر پا بمانند و نگذاشت نان چند کارگر بریده شود. به این خاطر که ورد زبانش همیشه این است: خدا من را می‌بیند! پس تا جایی که زورم می‌رسد مثل زنبورها کارگری می‌کنم. معجزه خودش اتفاق می‌افتد.

سنجاق
امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند:
خوشا به حال آنکه به بندگان خدا نیکی کند و برای آخرت خود زاد و توشه بگیرد.

کامل نشده. همراه بقیه همکاران که تنور فراخوان و استوری و اطلاع‌رسانی را روشن کرده‌اند، من هم از لیست اقلام تهیه شده و نشده عکس می‌اندازم و می‌فرستم به دو شماره‌ای که مطمئنم دست رد نمی‌زنند و می‌آیند پای کار.

ایستادام پشت پنجره و نمی‌توانم از کهنه خیر، چشم بردارم. بی‌تشریفات بار عسل را که تحویل می‌دهد، می‌نشیند پشت فرمان و می‌رود. به گمانم اینجا همه عاشق او باشند، عاشق خانم میرآبادی، نه فقط به این خاطر که هوای مؤسسه را دارد و حواسش به

چیزی به پایان ماه نمانده و مجموعه در تکاپوی آماده کردن بسته کالایند. خیلی از اقلام تهیه شده و انصافاً خیران کمافی سابق دست مجموعه را گرفته‌اند. مثل آقای کاشانی که سه کارتن ماکارونی هدیه کرده، آقای صدر که ۱۰ میلیون تومان ریخته به حساب خیریه، خانم نجارزاده که روغن خوراکی را متقبل شده، آقای فرهادی که برای ادای ندرش به تعداد کارتن‌ها سفارش عدس و لوبیا قرمز داده و حالا هم که خانم میرآبادی نازنین با عسل آویشن آمده. عسل دسترنج خودش. همچنان اکم و کسری‌هایی هست و سبد

رقیه توسلی | پرده را که پس می‌زنم، می‌بینم. صندوق سمن در برده بالا و منتظر است از آن زاویه که ایستاده‌ام دو چیز مشهود است؛ یکی روی گشاده و دیگری نظم و ترتیب و تعداد قوطی‌هایی که آورده. مثل همیشه سنگ تمام گذاشته. واقعیتش چند سالی است از نزدیک با مهربانی خانم میرآبادی، کهنه خیر مؤسسه آشنایم. مرا یاد دوران ابتدایی و همکلاسی ۸ ساله‌ام می‌اندازد. دختر باجنب و جوشی که تا معلم‌ها می‌پرسیدند شغل پدر؟ می‌چید و می‌گفت: خانم اجازه! زنبوردار.

خدا می‌بیند!

نیمکت زندگی

